

اعجاز قرآن از جهت عدم اختلاف و تناقضات قرآنی

جعفر علی نقی*

چکیده

یکی از راه‌های تشخیص نبی، ارائه معجزه توسط مدعی نبوت از جانب خدای متعال می‌باشد. به باور مسلمانان، قرآن کریم معجزه سترگ پیامبرگرمی اسلام ﷺ به شمار می‌رود که دامنه اعجاز آن گسترده بوده و شامل اعجاز از جهت عدم اختلاف نیز می‌باشد. برخی نوشته‌ها با ذکر مثالهایی، مدعی شده‌اند که آیات قرآن باهم ناسازگار بوده و قرآن کریم فاقد انسجام درونی می‌باشد و از این طریق خواسته‌اند اعجاز قرآن را از جهت عدم اختلاف به چالش بکشند. نوشتار حاضر به هدف تبیین روش درست فهم و برداشت صحیح از قرآن، با رویکرد توصیفی تحلیلی به رفع انگاره فوق پرداخته است. در فرآیند پژوهش، با استفاده از روش کتابخانه‌ای و با استناد به مبانی کلامی و تفسیری عالمان و مفسران امامیه روشن ساخته است که قرآن کریم از انسجام درونی برخوردار بوده و اختلافی در آن نیست و آیاتی که ناسازگار تلقی شده‌اند تهافتی باهم نداشته و کاملاً هماهنگ‌اند.

واژگان کلیدی: قرآن، اعجاز، عدم اختلاف، تناقض ظاهری، ناسازگاری.

* دانش پژوه سطح ۴ رشته شیعه شناسی موسسه آموزش عالی حوزوی امام رضا علیه السلام.

مقدمه

قرآن کریم معتبرترین منبع شناخت دین اسلام به شمار می‌رود که خدای سبحان آن را به آخرین پیامبر خود یعنی حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله نازل کرده است. از آنجا که ادعای نبوت بایستی مقرون با دلیلی باشد تا درستی آن ادعا را ثابت کند، قرآن کریم نیز معجزه و دلیل همراه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به شمار می‌رود که نبوت او را تصدیق و درستی ادعای وی را ثابت کرده است. شاخص‌ترین معجزه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله یعنی قرآن کریم از ابعاد مختلف اعجاز برخوردار است که یکی از ابعاد آن، اعجاز از جهت عدم اختلاف می‌باشد. اقتضای این بُعد از اعجاز قرآنی آن است که این کتاب مقدس از هر گونه تناقض درونی مصون بوده و همه گزاره‌های آن با یکدیگر کاملاً هماهنگ و سازگارند.

در برخی نوشته‌ها و سایت‌های ناهمسو با اندیشه اسلامی، با استناد به برخی آیات قرآن، سعی در متناقض نشان دادن آیات و تشکیک در انسجام درونی قرآن می‌شود. این گمانه که قرآن دارای تناقض گوئی است اگر راست آید اعجاز آن از جهت عدم اختلاف زیر سوال رفته و راه برای بشری نمایاندن قرآن و در نتیجه عدم حجیت آن هموار می‌گردد. از این رو بایسته است پژوهشی در رد انگاره فوق صورت پذیرد که نوشتار پیش رو در سدد انجام این رسالت مهم است.

صرف نظر از مطالبی که عالمان و مفسران در لابلای کتب خود ذکر کرده اند، به طور مستقل پژوهشی در این موضوع سامان نیافته است. این تحقیق با پژوهش در تراث ارزشمند مفسران و اندیشه وران، با توضیح معانی و تفسیر برخی از آیات که ادعا می‌شود باهم ناسازگارند، به تبیین برداشت درست و فهم صحیح از قرآن پرداخته و به این سوال پاسخ می‌گوید: نحوه برداشت صحیح از قرآن چیست و آیاتی که برخی گمان به ناسازگاری آنها برده‌اند چگونه قابل جمع و فهم است؟



مفهوم شناسی

پژوهش در هر مسأله‌ای بر پایه‌ای از مفاهیم استوار است که واکاوی آن‌ها در تحقیق، ضروری و بایسته است. از این رو نخست به تعریف مفاهیم کلیدی بحث پرداخته می‌شود.

اعجاز

اعجاز از ریشه عجز گرفته شده و عجز در لغت به معنای ناتوان ساختن است. (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۴: ص ۲۳۲) و در اصطلاح معجزه امری خارق العاده است که همراه با تحدی و عدم معارضه باشد. (طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۴: ص ۲۵؛ قوشجی، بی تا: ۴۶۵) و به تعریف دقیق تر معجزه امری خارق عادت است که به عنوان شاهد بر صدق ادعا، توسط کسی آورده می‌شود که ادعای منصب یا مقام الهی دارد. (خوئی، ۱۴۰۱ق: ص ۳۳) بر اساس این تعریف، معجزه وقتی است که همراه با ادعای مقامی الهی مثل نبوت یا امامت باشد. از این رو، امر خارق عادت‌ی که بدون ادعای منصب الهی که از بعضی اولیای خدا صادر می‌شود معجزه نبوده بلکه «کرامت» نام دارد. همچنین معجزه وقتی صادق و گواه است که دیگران از آوردن مثل آن عاجز باشند و آن معجزه قابل معارضه نباشد. علاوه اینکه شرط دلالت معجزه، مطابقت فعل شخص مدعی با ادعای اوست. (سبحانی، ۱۴۲۸ق، ج ۵: ص ۲۶۱)

عدم اختلاف

اختلاف از ریشه خلف است و خلف به معنای ضد و نقیض قدام است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۹: ۸۲). اختلاف برعکس عمل کردن یا خلاف وعده عمل کردن را نیز می‌گویند. (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴ش، ج ۱: ص ۶۳۱) مقصود از نفی اختلاف در قرآن این است که قرآن کریم از تناقض گویی مصون و منزّه بوده و از نوعی هماهنگی و سازواری شگفت آوری برخوردار است که به جز از عهده خدای قادر متعال، از دست کسی ساخته نیست.



قرآن پژوهان مسلمان با استناد به آیه شریفه «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا» آیا در [معانی] قرآن نمی اندیشند اگر از جانب غیر خدا بود قطعاً در آن اختلاف بسیاری می یافتند (نساء / ۸۲). یکی از مهم ترین ابعاد اعجاز قرآنی را در این می دانند که علی رغم نزول قرآن در طول رسالت پیامبر اسلام ﷺ در شرایط ناهمسان و در موضوعات مختلف معارف و احکام و اخلاق و.. هیچ تناقض و اختلافی در آن یافت نمی شود و این خود گواه الهی بودن کتاب مقدس قرآن از جهت لفظ و معناست.

ادعا (شبهه)

۹۶

مسلمانان مدعی اند قرآن که کتاب مقدس آنان به شمار می رود از ناحیه خدا نازل شده و معجزه پیامبر اسلام به شمار می رود که آن را گواه و دلیل صدق ادعای نبوت خود نموده است و علاوه بر پیامبر اسلام، ظاهر آیات کتاب قرآن نیز بر معجزه بودن آن تصریح و تاکید داشته و در جاهای مختلف آن به تحدی و هماورد طلبی پرداخته است. همانند آیه «قُلْ لِّئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا»: بگو اگر انس و جن گرد آیند تا نظیر این قرآن را بیاورند مانند آن را نخواهند آورد هر چند برخی از آنها پشتیبان برخی [دیگر] باشند (سوره اسراء / آیه ۸۸) یا آیه «وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ»: و اگر در آنچه بر بنده خود نازل کرده ایم شک دارید پس اگر راست می گوئید سوره ای مانند آن بیاورید و گواهان خود را غیر خدا فرا خوانید (سوره بقره / آیه ۲۳)

با این حال اگر قرآن معجزه است و از ناحیه خداوند نازل شده و الفاظ و واژه ها نیز از جانب او بوده و به گفته قرآن پژوهان، ابعاد اعجاز آن شامل عدم اختلاف نیز می شود (معرفت، ۱۴۱۷ق، ج ۵: ص ۱۶؛ طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ج ۱:

ص ۱۱۶) چرا آیات متعددی در آن وجود دارد که با آیات دیگر ناسازگار بلکه متعارضند؟ در برخی از آیات قرآن برای خداوند صفاتی به کار رفته است که در آیات دیگر به نوعی آنها از او نفی شده اند؟ مثلاً قرآن در آیه «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعَلْمُ مَا تُوسَّسُ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ» و ما انسان را آفریده ایم و می دانیم که نفس او چه وسوسه ای به او می کند و ما از شاهرگ [او] به او نزدیکتریم (سوره ق / آیه ۱۶) تصریح دارد که خداوند از رگ گردن به انسان نزدیکتر است. ولی بر طبق آیه «هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (سوره حدید / آیه ۴) خداوند بر روی تختی نشسته است که آن تخت طبق آیه «هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَلَئِنْ قُلْتُمْ إِنَّا لَنَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ مِنْ بَعْدِ الْمَوْتِ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ» (سوره هود / آیه ۷) بر روی آب بنا شده است. و طبق آیات «يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ» (سوره سجده / آیه ۵) و «تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ» (سوره معارج / آیه ۴) خداوند به قدری دور است که رسیدن به او هزار تا پنجاه هزار سال طول می کشد؟

نقد و بررسی

در برخی نوشته ها و سایت ها مانند سایت زندیق (<https://zandiq.com>)^۱ شبهات همگونی با این شبهه، در فضای مجازی مشاهده می شود که ریشه در ضعف روش صحیح فهم قرآن، یا غفلت از شیوه درست برداشت از آن دارد. از این رو اگر کسی به روش فهم آیات قرآنی واقف باشد و به جای یک سویه

۱. این سایت به اعتراف اداره کنندگان آن، به هدف هجمه به بنیان های فکری مسلمانان تاسیس شده و تامین محتوا می شود.

نگری، نگاه جامعی به آن داشته باشد و در فهم معانی آیات آن، خود را بی نیاز از مطالب عالمان و مفسران نداند دچار چنین خطاهای راهبردی در فرآیند فهم نمی‌شود. از این رو، در پاسخ به این تلقی نادرست باید گفت: برداشت ظاهری از آیات قرآن باعث رخ نمودن چنین انگاره‌هایی می‌شود که آیات مزبور باهم ناسازگارند. در حالی که ذهن آدمی بخاطر ارتباط با عالم طبیعت، با مادیات مانوس شده، به همین جهت از هر معنایی مفهوم مادی و ظاهری آن را می‌فهمد. (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ج ۳: ص ۱۲۳) غافل از اینکه قرآن کریم از زبان عرفی استفاده کرده و همانند عرف از حقیقت، مجاز، تشبیه و سایر صنایع ادبی نیز بهره برده است. چنانکه می‌فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رُسُولٍ إِلَّا لِبَلْسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ» (سوره ابراهیم / آیه ۴) از این رو بایسته است جهت شناخت مقصود آیات، از روش درست تفسیر آن بهره جست.

علاوه بر آنچه گفته شد یکی از چیزهایی که در تفسیر و فهم آیات قرآن لازم است نظر داشت مبانی کلامی، و تاثیری است که آموزه‌های اعتقادی هر مکتب در فرآیند فهم قرآن کریم دارد. متکلمان عدلیه به ویژه عالمان امامیه با باورداشت حسن و قبح عقلی و نفی صفات مادیات و ممکنات از ساحت الهی، صفات خبریه ای که در آیات قرآن یا احادیث معصومان نقل شده است را تفسیر به معنایی می‌کنند که با اصول مسلم عقلی منافات نداشته باشد. زیرا مقتضای عقل این است که توصیف خداوند به صفات خبری که مستلزم تشبیه خداوند به مخلوقات گردد روا نیست. (سبحانی، ۱۴۱۲ق، ج ۳: ص ۸۷) بر خلاف فرقه مجسمه و مشبهه که گمان کرده‌اند خداوند همانند انسان دارای چشم و دست و گوش و زبان است که شهرستانی در مورد آنان می‌گوید: فرقه مشبهه از حشویه، لمس و مصافحه کردن را بر خداوند روا شمرده‌اند و معتقدند مسلمانان با اخلاصی که در ریاضت و مجاهدت به مرتبه اخلاص رسیده‌اند هم در دنیا و هم

در آخرت با خدای سبحان معانقه می‌کنند. (شهرستانی، ۱۳۶۴ش، ج ۱: ص ۱۰۵)
همچنین ابوالحسن اشعری و پیروان او این صفات خبری را به همان معنای
متبادر عرفی بر خداوند جاری می‌کنند اما برای فرار از محذور تشبیه، آن را از
تشبیه و کیفیت جسمانی تجرید می‌کنند. (سبحانی، ۱۴۱۲ق، ج ۳: ص ۱۳۲)
اما عالمان امامیه با اعتقاد به مصونیت ساحت الهی از صفات و ویژگی‌های
مادیات و ممکنات، صفات خبری منقول در آیات و روایات را تفسیر به اموری
می‌کنند که نه تنها با شأن الوهی و فرا مادی بودن خداوند تهافتی ندارند بلکه
حمل به معنایی می‌کنند که تنها مختص به خدا هستند و سایر موجودات را راهی
به آن صفات نیست.

بنابراین از سویی در قرآن کریم صفاتی برای خداوند به کار رفته است که
اطلاق حقیقی آنها بر خداوند محال است؛ زیرا معنای حقیقی این صفات،
مستلزم جسمانیت و در نتیجه نقص و کاستی در خداوند است. از همین رو از
نگاه دانشمندان، اینگونه صفات را باید به نوعی تاویل برد. (شریف، ۱۴۰۵ق، ج ۲:
ص ۲۹۵؛ معتزلی، ۱۹۶۲م: ص ۱۵۰ و ۳۳۳؛ شهرستانی، ۱۳۶۴ش، ج ۱: ص ۵۵؛
سبحانی، بی تا، ج ۲: ص ۱۱۲).

از دیگر سو، آیاتی مانند: «و لا تَقْفُ ما لیسَ لکَ بِهِ عِلْمٌ» (سوره اسراء / آیه ۳۶)
«أَفَلَا یَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ» (نساء / ۸۲)، «یُحَرِّفُونَ الْکَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ» (نساء / ۴۶)، «الَّذینَ
جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِینَ» (حجر / ۹۱) و سایر آیات همگون، نشانگر آن است که سخن
خداوند را به طریقی که سخن آفریدگان تفسیر شود، تفسیر نباید کرد. (طباطبایی،
۱۳۷۴ش، ج ۳: ص ۷۹)

بر این اساس، آیه «أَنَّ اللَّهَ أَقْرَبُ إِلَیْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَریدِ» (ق / ۱۶) و آیات
مشابه مانند: «وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ یَحُولُ بَیْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ» (انفال / ۲۴) تشبیه هستند. از
این رو، قُرب فیزیکی در اینجا مقصود نیست و قرب خداوند از این هم برتر و



بالاتر است. هرچند مثالی از این رساتر در محسوسات پیدا نمی‌شود. (مکارم، ۱۳۷۴ش، ج ۲۲: ص ۲۴۵) امام علی علیه السلام در خطبه اول نهج البلاغه می‌فرماید: خداوند با همه چیز هست نه اینکه همنشین آنان باشد و با همه چیز فرق دارد نه اینکه از آنان جدا و بیگانه باشد. (سید رضی، ۱۳۷۹ش: خطبه اول) با این گفته معلوم می‌شود خداوند مالک و تدبیرکننده امور بندگان است و به همه جوانب و نواحی بنده احاطه دارد از این رو از هر چیزی که فرض شود به مخلوق خود نزدیک‌تر است (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ج ۲: ص ۴۳). زیرا به اقتضای ادله توحید ربوبی، گستره ربوبیت خداوند وسیع بوده و انسان تحت تدبیر و مالکیت الهی است به همین خاطر خداوند از هر چیز به انسان نزدیک‌تر و به احتیاجات او آگاه‌تر است.

همچنین آیه «ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ» نیز مثالی است که احاطه تدبیر خدا در ملکش را مجسم می‌سازد. هر چند عرش در اصل به معنای شیء سقف‌دار است و به تخت‌های بلند سلاطین گذشته نیز عرش گفته می‌شود اما این واژه به معنای قدرت نیز به کار رفته و کنایه از به قدرت رسیدن می‌باشد. (مکارم، ۱۳۷۴ش، ج ۹: ص ۲۶).

در آیه «وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ» معنای معمولی «ماء» آب است اما گاهی به هر شیء مایع «ماء» گفته می‌شود مانند فلزات مایع و امثال آن. در تفسیر آیه مزبور آمده است جهان در آغاز آفرینش به صورت مواد مذابی بود از این رو جهان هستی و پایه تخت قدرت خدا نخست بر این ماده عظیم آب‌گونه قرار داشت. (مکارم، ۱۳۷۴ش، ج ۹: ص ۲۶) پس آیه مذکور موجود بودن خداوند قبل از خلقت این عالم را بیان می‌نماید. (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ج ۸: ص ۱۹۸).

در آیه «يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يُعْرِجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ» (سجده، آیه ۵). مقصود این است که خدای تعالی تدبیر امور را در



ظرفی انجام می‌دهد که اگر به مقدار حرکت و حوادث زمینی تطبیق شود با هزار سال از سالهایی که شما ساکنان زمین می‌شمارید برابر می‌گردد. (همان، ج ۱۶: ص ۳۷۰) مقصود از روز عروج امر در «ثُمَّ يَعْرَجُ إِلَيْهِ» یکی از پنجاه موقف از موافق روز قیامت است. (همان، ج ۱۶: ص ۳۷۲) که همه محکوم اراده پروردگار جهان خواهد بود و در یک روز که مدتش هزار سال است اعمال بندگان بررسی می‌شود. (طبرسی، ۱۳۶۰ ش، ج ۱۹: ص ۲۰۸) امیرالمومنین علیه السلام می‌فرماید: همانا در قیامت پنجاه موقف وجود دارد که هر موقفی هزار سال به طول می‌انجامد. (شعیری، بی تا: ص ۱۷۶) اما در آیه دیگر که فرموده: «تَعْرَجُ الْمَلَائِكَةُ وَ الرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ» (معارج، آیه ۴) روزی که مدتش پنجاه هزار سال است. این مدت برای کافران منظور گردیده، زیرا مردم در قیامت در شرایط مختلف خواهند بود. (طبرسی، ۱۳۶۰ ش، ج ۱۹: ص ۲۰۸)

نتیجه گیری

از آنچه گذشت روشن شد صفاتی که در آیات قرآن در توصیف خدای متعال به کار رفته‌اند به گونه ای تبیین و تفسیر می‌شوند که تفسیر به امور متوهم تشبیه و تجسیم نباشند. چون در غیر این صورت با اصول مسلم عقلی منافات خواهند داشت که با مبانی کلامی امامیه مطابقت ندارد.



فهرست منابع

- قرآن کریم.
۱. ابن فارس، احمد، ۱۴۰۴ق، مقاییس اللغة، تصحیح هارون عبدالسلام محمد، چاپ اول، قم، مکتبه الاعلام الاسلامی.
 ۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت، دار صادر.
 ۳. خوئی، سیدابوالقاسم، ۱۴۰۱ق، البیان فی تفسیر القرآن، قم، انوار الهدی.
 ۴. راغب اصفهانی، حسین، ۱۳۷۴ش، ترجمه و تصحیح مفردات الفاظ القرآن، چاپ دوم، تهران، مرتضوی.
 ۵. سبحانی جعفر، ۱۴۱۲ق، الالهیات علی هدی الكتاب و السنه و العقل، چاپ سوم، قم، المکزی العالمی للدراسات الاسلامیه.
 ۶. سبحانی، جعفر، بی تا، بحوث فی الملل و النحل، قم، موسسه امام صادق.
 ۷. الشریف الرضی، محمد بن حسین، ۱۳۷۹ش، نهج البلاغه، چاپ اول، قم، نشر مشهور.
 ۸. شریف، سیدمرتضی، ۱۴۰۵ق، رسائل الشریف، تحقیق سیدمهدی رجائی، چاپ اول، قم، دارالقرآن.
 ۹. شعیری، محمد بن محمد، بی تا، جامع الاخبار، چاپ اول، نجف، نشر حیدریه.
 ۱۰. شهرستانی، عبدالکریم، ۱۳۶۴ش، الملل و النحل، تحقیق محمد بدران، چاپ سوم، قم، الشریف الرضی.
 ۱۱. طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۷۴ش، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، چاپ پنجم، قم، انتشارات اسلامی.
 ۱۲. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۶۰ش، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه مترجمان، چاپ اول، تهران، فراهانی.
 ۱۳. طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۵ش، مجمع البحرین، تصحیح احمدحسینی اشکوری، چاپ سوم، تهران، مرتضوی.
 ۱۴. قوشجی، مولی علی، بی تا، قم، منشورات شریف رضی.
 ۱۵. معتزلی، قاضی عبدالجبار، ۱۹۶۲م، المغنی فی ابواب التوحید و المعاد، قاهره، دارالمصریه.
 ۱۶. معرفت، محمد هادی، ۱۴۱۷ق، التمهید فی علوم القرآن، قم، انتشارات اسلامی.
 ۱۷. مکارم، ناصر، ۱۳۷۴ش، تفسیر نمونه، چاپ اول، تهران، دارالکتب الاسلامیه.